



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



خط آهن افغانستان - ترکمنستان افتتاح شد

## "افغانستان از وابستگی به بنادر پاکستان رهایی می یابد"



صفحه ۳



سوال ریاست اجرایی:

## چرا تقلب کاران انتخاباتی در آغوش ریاست جمهوری رفتند؟

صفحه ۶

کندهار چارواکی وای ۱۳۰۰ طالب

وسله والو جگره پرېښي



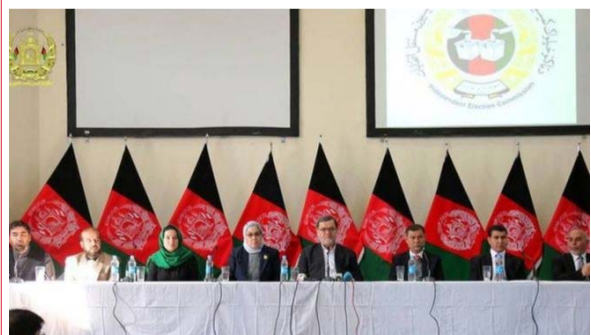
صفحه ۶

## افت ۲۳ درصدی صادرات سمنت پاکستان به افغانستان



صفحه ۶

کمیسیون مستقل انتخابات جدول زمانبندی انتخابات پارلمانی را اعلام می کند



صفحه ۳

وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی:

می توانیم در زمستان به داد ۲۰ هزار خانواده آسیب پذیر برسیم



صفحه ۳

## آینده افغانستان در سایه همکاری های منطقه یی

صفحه ۲



# برگزاری انتخابات؛ مهم‌ترین راهکار غلبه بر مشکلات



**مهم‌ترین راه حل مشکلات آینده که به زودی دامن زمامداران را خواهد گرفت، برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی و سروسامان بخشیدن به قوه اجرائیه است. سران حکومت باید این فکر را از مخیله خود بیرون کنند که در نبود قوه مقننه کار آمد و مشروع، می‌توانند همچنان موقعیت‌های سیاسی فعلی خود را حفظ کنند. این یک هشدار بی‌پشتوانه نیست، بل تحلیلی واقع‌گرایانه از وضعیت و شرایط موجود در کشور است. اگر آقای غنی به این نکات و شرایط حساس جاری التفات نکند، به زودی افغانستان با بحران و بن‌بست غیر قابل بازگشت مواجه خواهد شد**

صدمه وارد کرده است. آقایان غنی و عبدالله با شعارها و وعده‌های کلانی، زمام امور را از یک دولت نیمه‌جان به دست گرفتند ولی حالا وقتی به کارنامه دوساله دولت وحدت ملی نظر می‌کنیم، نه تنها آن‌ها در غلبه بر مشکلات موفقیت نداشته‌اند، بل مشکلات تازه‌تری را نیز برای کشور خلق کرده‌اند. زمامداران دولت در دو سال گذشته نتوانستند که حداقل به اختلافات موجود میان خود پایان دهند و یا این‌که یک کابینه کامل را معرفی کنند. وقتی آن‌ها به این دو وظیفه اولیه و اساسی خود نتوانستند رسیده‌گی کنند، آن‌گاه چگونه می‌توان انتظار داشت که بر اساس وعده‌های انتخاباتی رییس جمهوری، یک میلیون شغل تازه برای لشکر بی‌کاران به وجود آمده باشد.

با این اوصاف، مهم‌ترین راه حل مشکلات آینده که به زودی دامن زمامداران را خواهد گرفت، برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی و سروسامان بخشیدن به قوه اجرائیه است. در همین حال، سران حکومت باید این فکر را از مخیله خود بیرون کنند که در نبود قوه مقننه کارآمد و مشروع، می‌توانند همچنان موقعیت‌های سیاسی فعلی خود را حفظ کنند. این یک هشدار بی‌پشتوانه نیست، بل تحلیلی واقع‌گرایانه از وضعیت و شرایط موجود در کشور است. اگر آقای غنی به این نکات و شرایط حساس جاری التفات نکند، به زودی افغانستان با بحران و بن‌بست غیر قابل بازگشت مواجه خواهد شد. آن‌گاه پشیمانی برای هیچ‌کس سودی نخواهد داشت.

می‌دهد که فقط به درخواست‌های مطرح شده از خود در برابر حکومت پاسخ می‌دهد. در همین حال، قوه مقننه نیز وضعیت بهتری از قوه قضائیه ندارد. حکومت با تلاش‌های مزمن در پی تحمیل سيطرة خود بر این قوه است و حالا که این قوه با مشکل مشروعیت قانونی نیز روبه‌روست، حکومت بهتر می‌تواند از این شرایط به نفع خود بهره‌برداری کند. اما این شرایط همان‌طور که در آغاز این نوشته به آن اشاره رفت، به هیچ صورت به نفع کشور تمام نمی‌شود و برخلاف، بر دشواری‌های موجود می‌افزاید و جامعه را وارد فاز بحران غیر قابل مهار می‌سازد. پس حکومت و به صورت مشخص، حلقه خاصی، حتی اگر خواهان عدم برگزاری انتخابات باشند، باید در چنین برنامه‌ی تجدید نظر کنند و با تمام تلاش به برگزاری انتخابات پارلمانی در سال آینده اقدام ورزند.

عدم مشروعیت ساختارها سبب می‌شود که جامعه درگیر بحران‌های سیاسی و امنیتی گردد و کشور به سمت سرگردانی و بی‌هدفی حرکت کند. همین حالا وقتی به مردم و جامعه نگاه می‌کنیم، دیگر آن شور و نشاط سیاسی دو سال پیش را در آن‌ها کمتر می‌توانیم سراغ بگیریم. مردم دلزده از وضعیت موجود، خواهان تغییر و تحول اند. اگر امید مردم نسبت به اصلاحات و تغییرات به یأس کامل بینجامد، بدون تردید حاکمان فعلی قادر نخواهند بود که بر بحران‌های متعاقب آن فایز آیند و این دقیقاً همان چیزی است که دشمنان کشور منتظر آن اند. دولت وحدت ملی در دو سال گذشته، فرصت‌های زیادی را از دست داده و بر بخش عمده‌ی از اعتماد مردم نسبت به خود

گمان نمی‌رود حتی با تعیین اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی، دولت اراده لازم برای برگزاری انتخابات پارلمانی داشته باشد. برخی گزارش‌های درز کرده به بیرون از داخل جناح‌های قدرت حاکی از آن اند که دولت برای سه سال آینده، هیچ انتخاباتی برگزار نخواهد کرد و گزینش کارگزاران جدید انتخاباتی نیز به معنای اراده دولت در برگزاری انتخابات بوده نمی‌تواند.

دولت تلاش دارد ظرف سال‌های آینده، برخی اصلاحات صوری را در سازوکارهای انتخاباتی اعمال کند و به این صورت نشان دهد که مدیران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی بی‌کار نبوده‌اند. از طرف دیگر، این شایعه به شدت در جامعه تقویت شده که اعضای فعلی مجلس نمایندگان وضعیت جاری را به نفع خود دانسته و به نوعی، با طرح تأخیر در انتخابات با حکومت به توافق رسیده‌اند. این شایعه را کاملاً نمی‌توان مردود شمرد، ولی باید تأکید کرد که اکثریت اعضای مجلس با چنین طرحی همنوایی ندارند. من فکر می‌کنم که افغانستان برای رسیدن به ثبات سیاسی و امنیتی، ناگزیر از برگزاری انتخابات به عنوان یکی از شروط جامعه مردم‌سالار است. تأخیر در برگزاری انتخابات، منافع هیچ یک از طرف‌های موجود را تأمین کرده نمی‌تواند و حکومت خود را با دردسر کلانی مواجه می‌سازد. همین حالا عملاً شورای ملی، دیگر آن وجه و اعتبار قانونی خود را ندارد که باید به عنوان یک قوه مستقل و قانون‌گذار می‌داشت.

تأخیر در برگزاری انتخابات پارلمانی، به شدت وجه قانونی مجلس نمایندگان را با سوال روبه‌رو کرده است. شاید حلقه‌هایی در داخل حکومت این وضعیت را به نفع خود ارزیابی کنند و به دنبال آن باشند که همین وضعیت ناپسند ادامه یابد؛ ولی در کل این وضعیت به نفع جامعه و مردم بوده نمی‌تواند.

افغانستان با چالش‌های متعدد سیاسی و امنیتی دست‌وپنجه نرم می‌کند و بدون کمترین تردیدی، بخش عمده وضعیت موجود، به نبود ساختارهای قانونمند مربوط می‌شود. قوه قضائیه چنان نمی‌نماید که خود را از سيطرة جناح قدرتمند محفوظ نگه داشته باشد. این قوه عملاً در خدمت خواست‌های قدرت‌طلبان قرار گرفته و وضعیتی را نمایش

## سخن ماندگار

### آینده افغانستان در سایه همکاری‌های منطقه‌ی

رییس‌جمهور غنی و قربان‌قلی بردی‌محمدوف رییس‌جمهوری ترکمنستان، روز گذشته خط‌آهن میان افغانستان و ترکمنستان را افتتاح کردند.

صبح روز دوشنبه، رؤسای جمهوری دو کشور توسط قطار وارد بندر آقینه در خاک افغانستان (ولایت فاریاب) شدند و مراسم افتتاح با اشتراک مقام‌های ارشد دو کشور و مهمانان داخلی و خارجی برگزار شد.

آقای غنی ضمن تأکید بر دوستی دوامدار میان دو کشور، گفت که ارتباط بندر آقینه افغانستان با شبکه خط‌آهن بین‌المللی آسیا، هدیه ترکمنستان به این کشور است که با آغاز کار این راه‌آهن، قیمت تمام مواد اولیه همانند قیر، نفت و گاز برای افغانستان پایین خواهد آمد. همچنین آقای غنی تذکر داد که گام بعدی، ساخت خط‌آهن شیرخان بندر - مزارشریف و سپس از آن‌جا به هرات در غرب افغانستان است.

قربان‌قلی بردی‌محمدوف، رییس‌جمهوری ترکمنستان نیز همانند آقای غنی نسبت به گسترش همکاری‌های منطقه‌ی و نقش آن در رشد و توسعه هر دو کشور ابراز امیدواری کرد و گفت که افتتاح خط‌آهن افغانستان - ترکمنستان اهمیت قاره‌ی دارد. آقای بردی‌محمدوف افزود که از این پس، کابل و عشق‌آباد طرح‌های مشترک اقتصادی و اجتماعی را با حمایت مردم افغانستان اجرا خواهند کرد که عبارت از جاده‌سازی، گازرسانی، برق‌رسانی و ساخت مکاتب است، که همه به تحقق صلح و رفاه در این کشور منجر خواهند شد.

گفتنی ست این خط‌آهن که توسط کشور ترکمنستان احداث شده، قرار است در آینده تا شهر اندخوی در شمال غربی افغانستان امتداد یابد.

اما آنچه در وری این خبرها می‌توان به آن اشاره کرد؛ نقش همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی در منطقه برای غلبه یافتن بر جنگ و تروریسم رو به گسترش است. مسلماً ترکمنستان و همه جمهوری‌های آسیای میانه، همانند افغانستان با تهدید افراطیت و ناامنی مواجه‌اند. شاید رُخ این تهدید در جمهوری‌های تشکیل یافته از شوروی سابق چندان هویدا نباشد، اما سایه تاریک این خطر را در تحرکات برخی نیروهای به‌ظاهر اسلام‌گرا در این کشورها و نزدیکی مرامی و جغرافیایی‌شان با تروریستان جا گرفته در افغانستان، می‌توان احساس کرد.

کشورهایی مانند ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان که همه سال‌های دراز زیر ساتور کمونیسم شوروی و سانسور نفس‌گیر کی‌جی‌بی قرار داشته‌اند، پتانسیلی قابل توجه از نیروهای بنیادگرا و جهادی را در خود نهفته دارند که فقط به دنبال منفذی برای ابراز وجود و توصل به جنبش‌های تروریستی در دور و نزدیک می‌گردند.

افغانستان اما در این میان، هم یک نقطه خطر و هم یک نقطه خیز برای این کشورهاست. نقطه خطر به این ترتیب که اگر این کشورها در گوشه به‌ظاهر امن و آرام خود بنشینند و نسبت به ناامنی‌هایی که در افغانستان جریان دارد بی‌تفاوتی اختیار کنند، سرانجام تروریستان منطقه با جذب یکدیگر، ناامنی‌ها را به هر سو و هر کشور می‌کشاند. و نقطه خیز به این ترتیب که فقر و عدم توسعه یافته‌گی افغانستان، این کشور را به مأس و معبر تروریستان تبدیل کرده، ولی کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان می‌توانند با راه‌اندازی پروژه‌های بزرگ تجاری و صنعتی، هم بازار اقتصادی و پرمفعت افغانستان را به خود اختصاص دهند و هم با افزایش رفاه عمومی و ارتقای بنیادهای اقتصادی این کشور، موج اتصال تروریسم به کشورهایشان را سد شوند. سران حکومت وحدت ملی و سران کشورهای آسیای میانه و حتی سران کشورهایمانند پاکستان و چین و ایران که به این حوزه نزدیک و در تحولات آن ذی‌نفع‌اند، می‌توانند با التفات به این نکته، فصل جدیدی در مناسبات سیاسی - اقتصادی‌شان در قاره آسیا و تمام جهان بکشایند. مسلماً توسعه همکاری‌های تجاری - اقتصادی‌ی از جنس احداث خط‌آهن افغانستان - ترکمنستان، می‌تواند چهره تازه و دلپذیرتری به مسایل منطقه و جهان دهد، به‌نحوی که هراس‌ها و رقابت‌های سیاسی کشورها، با توسعه منافع اقتصادی مشترک میان‌شان، به دوستی و دل‌چسپی نسبت به عمران و آبادی یکدیگر بدل گردد. آینده‌گان ثابت خواهند کرد که علایق اقتصادی بر همه بازی‌های سیاسی، چیره و پیروز است.



# "افغانستان از وابستگی

## به بنادر پاکستان رهایی می یابد"



اندخوی ولایت فاریاب امتداد خواهد یافت که از سوی بانک انکشاف آسیایی تمویل می شود. گفتنی است که پیش از این کالاهای افغانستان در مدت ده تا پانزده روز می رسید، اما با افتتاح این راه امکان دارد از هفت تا ده روز را با مصارف کمتر در بر گیرد. این خط آهن ترکمنستان و افغانستان، در داخل خاک افغانستان ۳۰۵ کیلو متر است که از سوی ترکمنستان ساخته شده و از منطقه "آته مراد" ترکمنستان تا بندر آقینه افغانستان ادامه دارد. قرار است در مراحل بعدی، ۸۵ کیلو متر از این راه آهن در ترکمنستان و بیش از ۳۰۰ کیلومتر آن در ولایت های شمالی افغانستان ساخته شود. گفته شده است که ساخت این راه آهن، حدود ۳۵۰ میلیون دالر هزینه دارد و بانک توسعه آسیایی آن را خواهد پرداخت. گفتنی که محمد اشرف غنی و هیأت همراهش در سفری سه روزه، به ترکمنستان رفته است. آگاهان وصل شدن افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی و چین را بزرگترین دستاورد می دانند و معتقد هستند که افغانستان اندک اندک از چنگ پاکستان رهایی می یابد. افغانستان در پانزده سال اخیر از لحاظ تجاری به گونه مطلق به پاکستان وابسته بوده است. آقای غنی، در این سفر افزون بر افتتاح راه لاجورد و خط آهن عطامراد و آقینه، با شماری از مقام های ترکمنستانی دیدار کرده و از طرف دانشگاه جهانی نفت و گاز ترکمنستان دکترای افتخاری نیز به دست آورده است.

ایران و در آینده هند و دیگر کشورها نیز در این مسیر سهیم خواهند شد. آقای غنی، از کشور ترکمنستان به عنوان یک همسایه نیک یاد کرد و افزود که مردم و دولت افغانستان هر پیروزی و دست آورد ترکمنستان را پیروزی خود می داند. آقای غنی در سخنانش با اشاره به نقش ترکمنستان در منطقه گفت که ترکمنستان از شرکای بزرگ منطقه ای افغانستان است و افتتاح این خط آهن، برای دو کشور مزایای گسترده دارد. هم زمان با این، قربانقلی بردی محمدوف، رئیس جمهور ترکمنستان حین افتتاح این خط گفت که راه آهن آقینه - امام نظر، روابط بازرگانی بین دو کشور را گسترش داده و در رشد همکاری های افغانستان و ترکمنستان مفید خواهد بود. به گفته رئیس جمهور ترکمنستان، در این راه از وسایل پیشرفته استفاده شده است. رئیس جمهور ترکمنستان یادآور شد که در کنار خط آهن، ترمینال بزرگ بازرگانی نیز در امام نظر ساخته شده که کالاهای بازرگانان را جابهجا خواهد کرد. آقای بردی محمدوف گفت که این ترمینال در کنار خط آهن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. گفته می شود که ترمینال این راه آهن ظرفیت بلند کردن ۵۰۰ تن بار را در یک وقت دارد. این راه آهن، در داخل خاک افغانستان ۳۰۵ کیلومتر است که از سوی ترکمنستان ساخته شده و از منطقه "عطا مراد" ترکمنستان تا بندر آقینه افغانستان ادامه دارد. پیش از این مقامات افغانستان گفته بودند که این خط به طول ۳۵ کیلومتر تا شهر

خط آهن مسیر «عطا مراد ترکمنستان و بندر آقینه افغانستان» در منطقه امام نظر، دیروز (دوشنبه، ۸ قوس) از سوی محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و قربانقلی بردی محمدوف رئیس جمهور ترکمنستان، افتتاح شد. رئیس جمهوران افغانستان و ترکمنستان حین امضای این مسیر تأکید کردند که راه آهن آقینه - امام نظر، روابط بازرگانی را گسترش داده و در رشد همکاری های افغانستان و ترکمنستان مفید خواهد بود. مسوولان در حکومت افغانستان این مسیر خط آهن را برای افغانستان بسیار مهم دانسته و گفته اند که خط آهن مسیر «عطا مراد ترکمنستان و بندر آقینه افغانستان»، افغانستان را به کشورهای آسیایی و اروپایی وصل می کند و کشور دیگر به کدام مسیر مشخص چون تورخم یا راه دیگر محدود نخواهد ماند و این خط آهن در توسعه کارهای بازرگانی و ترانزیت افغانستان نقش ویژه و مهم دارد. محمد اشرف غنی رئیس جمهور کشور در مراسم افتتاح این مسیر گفت: "ما برنامه داریم تا هر یک از ولایات سرحدی افغانستان یک پایگاه بزرگ اقتصادی در منطقه باشد." آقای غنی گفت که دولت افغانستان تصمیم دارد تمام ولایات سرحدی خود را به پایگاه بزرگ اقتصادی و حمل و نقل مبدل کند از همین رو، به زودی در مورد ولایت بادغیس تصمیم هایی گرفته خواهد شد. رئیس جمهور غنی افتتاح پروژه راه آهن افغانستان و ترکمنستان را یک رویداد تاریخی و مهم برای دو کشور خواند. به گفته آقای غنی: "امروز خط آهن افغانستان را به ترکمنستان وصل کرد، فردا

## کمیسیون مستقل انتخابات جدول زمانبندی انتخابات پارلمانی را اعلام می کند

نجیب الله احمد زی که به تازه گی به عنوان رییس کمیسیون مستقل انتخابات انتخاب شده، می گوید به زودی جدول زمانبندی انتخابات پارلمانی اعلام خواهد شد. او که دیروز دوشنبه در یک کنفرانس خبری با حضور دیگر اعضای جدید این کمیسیون صحبت می کرد، گفت که آنان تمام طرز العمل های مربوط به انتخابات را در روشنی قانون جدید انتخابات اصلاح می کنند. رییس جدید کمیسیون مستقل انتخابات در حالی گفته است که جدول زمانبندی انتخابات پارلمانی را اعلام می کند که پیشتر، حکومت وحدت ملی برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در میان فصل تابستان و خزان سال آینده خورشیدی، اعلام آمادگی کرده بود. آقای احمد زی در مورد اصلاحات انتخاباتی که قرار است آورده شود، گفت که اعضای جدید کمیسیون

مراکز انتخاباتی را ارزیابی و فهرست رأی دهندگان را تهیه می کنند. به گفته او، ارزیابی مراکز انتخاباتی و تهیه فهرست رأی دهندگان، شفافیت انتخابات را تا حد بالایی تأمین خواهد کرد. او تأمین امنیت در حوزه های انتخاباتی و تهیه منابع مالی برای برگزاری انتخابات را از چالش های مهم انتخاباتی عنوان کرد. احمد زی تأکید کرد که تمامی فعالیت ها و پیشرفت های انتخاباتی را از طریق رسانه ها، مؤسسات و فعالان جامعه مدنی با مردم شریک می سازد. او همچنان از ناظران ملی و بین المللی درخواست کرد که از طریق نظارت بر روندهای انتخاباتی، با کمیسیون مستقل انتخابات همکاری کنند. اعضای جدید کمیسیون های انتخاباتی روز یکشنبه گذشته رسماً معرفی شدند.



وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی:

### می توانیم در زمستان

### به داد ۲۰ هزار خانواده آسیب پذیر برسیم

دست گرفته اند تا در صورت بروز حادثه فوراً اقدام کنند. وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث در خصوص کمک رسانی به آسیب دیده های ناشی از برف باری های اخیر در شمال، شمال شرق و مناطق مرکزی گفت که برای آسیب دیده گان در قندوز کمک ها ارسال شده و بزودی توزیع خواهد شد. به گفته وی، برای آسیب دیده گان ولایت غور نیز ۲ میلیون افغانی و برای آسیب دیده گان ولایت جوزجان نیز ۴ میلیون افغانی پول نقد در نظر گرفته شده که بزودی ارسال و توزیع خواهد شد. گفتنی است که برف باری های اخیر تلفاتی جانی نیز در پی داشته و تنها در ولایت جوزجان حدود ۴۰ کودک در نتیجه بیماری های ناشی از سردی هوا جان باخته اند. افغانستان کشوری است که مردم آن سالانه حوادث طبیعی گوناگون را شاهد می باشند.

در آستانه فرا رسیدن زمستان و برف باری های شدید در برخی مناطق سرد سیر کشور، وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی می گوید که دولت می تواند به ۲۰ هزار خانواده در حوادث احتمالی زمستانی کمک رسانی کند. ویس برمک وزیر دولت در امور مبارزه با حوادث طبیعی که در نشست عمومی روز دوشنبه (۸ قوس) مجلس نمایندگان فرا خوانده شده بود، گفت که به آسیب دیده گان احتمالی در زمستان و بازگشایی راه های مواصلاتی کمک های غذایی و نقدی صورت خواهد گرفت. آقای برمک افزود، این اداره برای رسیدگی به حوادث احتمالی زمستانی در ۳۴ ولایت کشور، ۲۰۰ میلیون افغانی پول نقد در اختیار دارد که هنگام وقوع حوادث فوراً اقدام خواهد کرد.

به گفته وی، هرگاه حادثی در ولایتی رخ دهد، اداره مبارزه با حوادث پول نقد را در اختیار والی که در راس کمیسیون رسیدگی به حوادث طبیعی در سطح محلی می باشد، قرار می دهد و اینگونه برای کمک به آسیب دیده گان و یا بازگشایی راه های مواصلاتی فوراً اقدام می گردد. به گفته وی، اداره مبارزه با حوادث طبیعی همچنین برای ۲۰ هزار خانواده آسیب دیده احتمالی در زمستان کمک غذایی در نظر گرفته شده که بر اساس پیشبینی سطح تهدیدات در مراکز ولایات جابجا شده است. او از تدابیر برای ایجاد هماهنگی در حوادث احتمالی زمستانی نیز اطمینان داد و یاد آور شد که در این راستا تمامی وزارت های سکتوری که عضویت کمیسیون مبارزه با حوادث طبیعی را دارند، آماده گی های خاصی را روی

## یک افغانستانی برنده جایزه اختراع سال ۲۰۱۶ بریتانیا شد

بیماری سرطان، باعث شده تا او تخصصش را در قسمت دوزیمتری (Dosimetry) یا مانیتورینگ پرتودرمانی بگیرد. مسوولان مرکز تحقیقات این دانشگاه گفته اند که طرح خانم جعفری در زمینه پرتودرمانی بر اساس تحقیقات پروفیسور دیوید برادلی انجام شده که در آن از فایبرهای شیشه ای استفاده می شد، ولی این روش هزینه بر و انجام آن مشکل بود. اکنون خانم جعفری در تحقیقات خود به روش موثرتر و ارزانتری دست یافته است. خانم جعفری گفته که او در کودکی از مهره های شیشه ای در ساختن گردنهای ارزان قیمت برای به دست آوردن پول استفاده می کرد و این موضوع به او ایده داد تا بتواند از این مهره ها جهت ساخت وسیله ای ارزان قیمت و بهتر به منظور پرتودرمانی بهره ببرد.



هدف از برگزاری این رقابت سرتاسری، به چالش کشاندن کمبود تعداد زنان کارآفرین در بریتانیا گفته شده است. دانشگاه ساری گزارش داده، کمپنی شکرذخت جعفری (TrueInvivo) روش دقیق تر پرتودرمانی را فراهم کرده و زمینه معالجه را با هدف گیری دقیق تومورها (دانه های سرطانی) به جای هدف گیری حجره های سالم، مساعد می سازد. شکرذخت گفته است مرگ پدرش به دلیل ابتلا به

دانشگاه ساری (surrey) بریتانیا خبر داده است که شکرذخت جعفری، دانش آموزه اهل افغانستان دوره دکترای این دانشگاه در رشته فزیک طبی، به خاطر اختراع روش جدید تداوی سرطان، برنده جایزه اختراع زنان سال ۲۰۱۶ بریتانیا شده است. این رقابت سرتاسری در بریتانیا از سوی نهاد نوآوری دولت بریتانیا به نام (Innovate UK) راه اندازی و برای هر برنده، ۵۰ هزار پوند انگلیسی جایزه تعیین شده بود.





# حماسه‌ای که جوانان نسل جوان برپا می‌کنند



پوهاند محمد فاضل، فرزند سومین نایب‌سالار محمد صدیق صاحب‌زاده

امیر حبیب‌الله، مسلمانی صادق و با ایمان کامل بود که علمای کرام و مشایخ عظام به او «خادم دین رسول‌الله» خطاب کردند. امیر حبیب‌الله مردی آزاده و وطن‌دوست و غریب‌پرور بود. می‌گویند او دلیرانه پیش روی کاروان‌های پولی دولت را گرفته و آن را با فقرا و مستحقان تقسیم کرده است و از آن‌جا به دل عوام‌الناس و مردم عامه جا گرفته و در عین حال، پیروان و رفقای صادق و باایمان پیدا کرده است. علما و مشایخ و خانواده‌های سرشناس شمالی، به رضا و پا تحت نفوذ و سلطه امیر به دورش جمع شدند. او اگرچه سواد نداشت، ولی دل‌سوزی خاصش به مردم و اوضاع ناگوار کشور، او را به سلطنت رساند.

امیر حبیب‌الله، مردی هوشیار و عیاری از خراسان‌زمین و پادشاهی عدالت‌پسند بود. زمانی که در دولت وقت، فساد و معامله‌گری و رشوه‌ستانی به اوج رسیده بود و اغتشاش در هر گوشه کشور برپا شده بود، امان‌الله خان و خانمش و دیگر اعضای خانواده‌اش دسته‌جمعی به اروپا سفر کردند و با بازوهای برهنه و لباس نیم‌تنه در مجالس و محافل باده‌پیمایی کردند و عکس‌های آنان را مردم متدین کشور دیدند و شوری‌دند. هنگامی که امان‌الله خان از سفر بازگشت، نفرت مردم به حد نهایت رسیده بود. با آن‌هم، امان‌الله مجلس بزرگی را در پغمان دایر کرد و به دعوت شونده‌گان دولتی و صاحب‌رسوخان امر کرد که با دریشی و خانم‌های بدون چادری بیایند! این‌گونه شد که همه علما و مشایخ و صاحب‌رسوخان، کمر امیر حبیب‌الله خادم دین را بستند و همه تا سر کوتل خیرخانه رسیدند و الله اکبر گویان به سوی ارگ حرکت کردند. امیر امان‌الله هیأتی را با نامه تعهد سپردن به اسلام برای خادم دین فرستاد. خادم دین که مردی دل‌سوز و با رحم بود، نزدیک بود تعهد امان‌الله را بپذیرد، مگر شیرجان که مردی عاقل و متعهد بود، زبان گشود و گفت: «چراغی را که ایزد برفروزد/ هر آن‌کس پف کند ریشش بسوزد»

بعد از آن، این مرد با دانش و متانت گفت: به گفته‌های میان‌تهی فریب نخوردند، به امان‌الله بگویند یا بیعت کند یا تاج و تخت را بگذارد! هیأت برگشت و پیام را به امیر امان‌الله رساند. امان‌الله که نمی‌خواست خون‌ریزی شود، سلطنت را به برادرش نایب‌السلطنه تفویض کرد و خود به به ایتالیا رفت و پناه‌گزين شد. معین‌السلطنه مردی باخدا و ایمان‌دار بود، مگر خادم دین و یارانش او را هم نپذیرفتند و وی نیز راه اروپا در پیش گرفت و حبیب‌الله و یارانش نیز به نعره الله اکبر وارد ارگ شاهی شدند.

خادم دین رسول‌الله دست به تشکیل کابینه زد و از جمله، کاکایم عطاء‌الحق صاحب‌زاده وزیر خارجه و شیرجان خان صاحب‌زاده که اصل نام‌شان عبدالله است، به حیث وزیر دربار - که حیثیت صدراعظم را داشت - تعیین شدند و وزیر دفاع سیدحسین آغا تعیین گردید و علی‌هذا مقررات.

پدر من، مرحوم نایب‌سالار محمد صدیق به حیث رییس نظمیة جنوبی از طرف امیر امان‌الله خان تعیین شده بود و برای دو ماه بیعت نکرد. آوازه افتاد که نادرخان در سرحدات اغتشاش برپا کرده و نایب‌سالار را دعوت نموده، مگر او نپذیرفته است. در این فرصت، نامه شیرجان خان برادرش توصل ورزید که اگر کابل نیایی و بیعت نکنی، خطر بزرگی برای ما و فرزندان متصور است. بنابراین، او به کابل آمد و با امیر بیعت کرد و با منصب نایب‌سالاری دوباره به جنوبی جهت جلوگیری از حملات نادرخان فرستاده شد. تا زمانی که نایب‌سالار در جنوبی بود، نادرخان یک قدم به طرف کابل نتوانست پیش بیاورد؛ زیرا هر دو پرورده مکتب جنرال افندی ترکی بودند و با چال‌های نظامی همدیگر آشنا.

بار دیگر نادرخان دست توصل به سوی نایب‌سالار دراز کرد و جواب گرفت که: اکنون بیعت کرده و متعهد هستم و هرگز نمی‌توانم به شما بیوندم، شما لطفاً دعوت مرا بپذیرید و با امیر بیعت کنید تا دست به دست هم داده، کشور را بسازیم و به سوی آرامش و پیشرفت قدم‌های سازنده و متین برداریم، ورنه تا پای مرگ نمی‌گذارم شما جلو بیاید!

نادرخان بعد از آن با انگلیس موافقه کرد. او از فرانسه به پاکستان و سرحدات افغانستان آمد و به پابوس مرشد سرحدات و مردم افغانستان حضرت صاحب کلان شوربازار کابل رسید و حمایت ایشان را حاصل کرد. جناب حضرت صاحب، مردمان سرحدی و جنوبی را به طرفداری و حمایت نادرخان دعوت کرد و شرط گذاشت که نادرخان در کابل اعلان سلطنت نکند.

نادرخان با لشکر سرحدی و محلی، داخل سمت جنوبی کشور شد و در آن‌جا نایب‌سالار با او مقابله کرد و نگذاشت قدمی به طرف کابل پیشرفت کند. آوازه تماس دوم نادرخان با نایب‌سالار به کابل طنین انداخت. امیر مشوش شد و برادر خود و نایب‌سالار پُردل‌خان را برای تقویت لشکر جنوبی و نایب‌سالار محمد صدیق صاحب‌زاده فرستاد. صاحب‌زاده با وجود زخمی که در این جنگ برداشته بود، نگذاشت دشمن وجبی پیشروی کند. به صاحب‌زاده پیام‌های مکرر رسید که به کابل بیا که برای علاج به جرمنی فرستاده شوی،

ولی نایب‌سالار به مقاومت ادامه داد. سرانجام صاحب‌زاده به این پیام‌ها لبیک گفت و عزم رفتن به کابل را کرد. مردم جنوبی که به نایب‌سالار اخلاص داشتند و راه‌های محفوظ را بلد بودند، او را از طریق کوه‌ها به کابل رساندند.

نایب‌سالار به حضور امیر رفت و کلاهش را به زمین زد و گفت: «یا امیر چرا مرا به کابل خواستی، من به هر عنوانی که بود نمی‌خواستم و نمی‌گذاشتم نادرخان به کابل راه پیدا کند». فردای آن روز، پیش از آن‌که تدارک سفر نایب‌سالار صاحب‌زاده گرفته شود، لشکر جنوبی به کابل رسید و کابل اشغال شد. امیر و یارانش به سمت شمالی عقب‌نشینی کردند و ارگ با دار و ندارش طعمه لشکریان نادر شد.

نادرخان ارگ را اشغال و به‌عجله اعلان سلطنت نمود. زمانی که حضرت صاحب به کابل آمد و نادرخان را ملاقات کرد، به او گفت «چرا اعلان سلطنت پیش از آمدن من کردی؟» او با حيله‌گری به پای حضرت صاحب خم شد و معذرت خواست و گفت: فشار مردم بود. حضرت صاحب از قهر چیزی نگفت و دربار را ترک کرده، به منزل خود بازگشت.

بعد از آن‌که نادرخان حکومت خود را استحکام بخشید، در پی تدارک امیر حبیب‌الله و یارانش افتاد. او امیر سیدحسین خان را با وعده و وعید چرب‌ونرم و فرستادن قرآن کریم مهمور، راضی به آمدن کرد. همچنان برای صاحب‌زاده‌ها، به دست کاکای‌شان محمدطاهرخان صاحب‌زاده با تعهد قرآنی نامه فرستاد که: شما خدمتگاران صادق وطن هستید و بدون شما نمی‌توان امور دولت را پیش برد، با اطمینان کامل نردم بیاید که اصل نامه به فرصت به نشر خواهد رسید.

آن‌ها اطمینان کرده، عازم کابل شدند. عطاء‌الحق صاحب‌زاده، شیرجان و به نماینده‌گی نایب‌سالار پسر دومش محمدکاظم‌جان که هنوز جوان نشده بود، عازم کابل شدند. ضمناً عبدالوهاب خان مامای‌شان هم آن‌ها را به همراهی پسرکلانش عبدالستار خان با یک نامه تشویق به رفتن کرد. در عین زمان، محمدناصرخان پسر ارشد نایب‌سالار با آنان روبه‌رو شد. محمدناصرخان پرسید کجا می‌روید. عبدالستار خان گفت که پدرم با مکتوب سفارشی مرا به معیت این بزرگواران به حضور نادرخان به کابل فرستاده است. محمدناصرخان مکتوب را از او گرفت که در آن نوشته شده بود: صاحب‌زاده را با پسرم حضورتان فرستادم، باقی شما می‌دانید و قضاوت‌تان!

البته نایب‌سالار بنا بر زخم نتوانست کابل برود و محمدکریم‌خان که متصدی ضبط احوالات بود،

با محمدناصرخان پسر کلان نایب‌سالار به طرف هندوستان سفر کرد. تا آن‌گاهی که نایب‌سالار کابل نرفته بود، امیر و یارانش به شمول صاحب‌زاده‌ها مانند مهمانان عزیز از آن‌ها پذیرایی کردند. بنابراین، نادرخان با حيله و تزویری که داشت، در پی به‌دست آوردن نایب‌سالار افتاد. او رفیق صمیمی نایب‌سالار را که زلمی‌خان جنوبی‌وال نام داشت، به‌دست آورد و او را با یک موتر و قرآن کریم مهمور به منزل عبدالوهاب خان فرستاد که به اتکای قرآن به کابل با اطمینان بیاید. او به اعتماد قرآن و رفیقش زلمی‌خان، جانب کابل روان شد و رأساً به حضور نادرخان برده شد. نادر فوراً با نایب‌سالار سوال و جواب را شروع کرد که چرا با من در جنوبی موافقه نکردی تا هر دو یک‌جا کابل را می‌گرفتیم. صاحب‌زاده پاسخ داد که من با امیر تعهد و بیعت کرده بودم، نمی‌توانستم عهدشکنی کنم؛ اما اکنون اگر خواسته باشید، با کمال صداقت به خدمت وطن حاضرم. نادرخان گفت: حالا به کار نیستی، او را نزد یارانش ببرید و زندانی کنید تا سرنوشت‌شان تعیین شود.

همه را زنجیر و زولانه کردند و بعضی را کوتاه‌قفلی هم نمودند. بعد از آن، نادرخان امر کرد که به صورت جمعی همه آن‌ها به دار کشیده و به قتل رسانده شوند به استثنای عطاء‌الحق خان کاکایم که سردار محمدهاشم خان صدراعظم و برادر کلان نادرخان به نادر پیام فرستاد که عطاء‌الحق صاحب‌زاده را نکشند، زیرا او رفیق و به منزله مرشد من است. اما آن‌ها این رفیق و مرشد را در زندان ارگ برای هجده سال محبوس نگه داشتند. محمدکاظم‌خان برادرم که هم صغیر بود و هم به نام پسرکاکایم عطاء‌الحق خان از مرگ نجات یافت، با کاکای خود در یک اتاق محبوس بود. در آن‌جا هر دو کاکا و برادرزاده قرآن کریم را حفظ کردند و محمدکاظم دو سال بعد از عطاء‌الحق خان از حبس آزاد شد.

امیر و یارانش با پدرم نایب‌سالار محمد صدیق و کاکایم شیرجان‌خان چند روز بعد به امر نادرخان شهید شدند و به شکل چانورای و به‌صورت دسته‌جمعی به قتل رسیدند و هفته‌ها برای تماشای مردم به دار آویخته ماندند. آن‌ها مخالف رسم اسلامی، شهدا را به گمنامی در یک چقوری سر به سر انداخته و زیر خاک گمنامی و بی‌هویتی کردند. برعلاوه، جایداد غیرمنقول آن‌ها را ضبط کرده، خانه‌های‌شان را به تاراج بردند و آتش زدند و حتا زمین‌های ما صاحب‌زاده‌گان را میدان هوایی بگرام ساختند. قلعه‌ها را هموار نمودند و چشمه‌ها را کور ساختند و حتا یک بلست از آن را اعاده نکرده و حتا زمین کاکای پدر ما را که هم‌جوار املاک‌مان بود، ظالمانه ضبط نمودند. ما هم کشته، هم محبوس و هم فراری شدیم و برای هشتاد و هشت سال شهدای‌مان در زیر خاک سیاه بی‌هویت ماند.

من خود را ملامت می‌دانم که چرا در عهد استاد ریانی رییس‌جمهور انتخابی افغانستان و اقتدار قهرمان مسعود که عهده‌دار وزارت تعلیم و تربیه بودم، پیشنهاد نکردم که شهدا را از زیر خاک سیاه کشیده و در یک جای مناسب دفن کنند و به ما هویت و حیثیت بخشند. من می‌بایست به‌رغم همه مشکلات و گرفتاری‌هایی که در آن روزگار در کشور وجود داشت، پیشنهاد خود را می‌کردم. این‌که ترتیب اثر می‌یافت یا نه، گپی جداست. از این رو، وجداناً رنج می‌برم و به ملامتی خود اعتراف می‌کنم و از مردم و جوانان شجاع و قهرمان وطن خویش عفو می‌خواهم.

من به حیث فرزند سوم نایب‌سالار محمد صدیق صاحب‌زاده، به قهرمانی مردم و جوانان کوه‌دامن، کابل، پروان، پنجشیر و کاپیسا ارج می‌گذارم که شهدا را بر شانه‌های خود از خاک مشهور شهرآرا به خاک سپردند و به ما ورثه شهدا به‌خصوص به مردم شمالی، هستی و هویت بخشیدند. مسلماً این قهرمانی در تاریخ جاودان خواهد ماند و تکتیک مردم ما پاسدار رشادت آن‌ها خواهند بود.

زنده باد قهرمانی و همبسته‌گی جوانان شمالی و سرتاسر وطن

و شاد باد روح شهدای عزیزمان!



**یادداشت: این نوشته با همین عنوان سه سال پیش در همین روزنامه به نشر رسیده، اما از آنجایی که به تازگی اظهارات نویسنده مقاله پیرامون مضمون ثقافت اسلامی در مجلس نماینده گان، بحث‌ها و جدل‌های فراوانی را در سطح جامعه برانگیخته است، لازم دیدیم یک بار دیگر با نشر آن، کمکی به رفع سوء تفاهم‌ها و ختم مناقشات کنیم.**

# ثقافت اسلامی در حسرت مضمون و محتوا

ثقافت اسلامی، تنها مضمونی است که به موجب ارزش و اهمیت آن، برای همه دانشجویان در نظر گرفته شده است؛ ولی تا جایی که کتاب‌های درسی دانشجویان نشان می‌دهد، این مضمون از نداشتن موضوعی مناسب و جذاب عذاب می‌کشد.

در سال‌هایی که دوره ثانوی مکتب را (۱۳۵۴ - ۱۳۵۸) سپری می‌کردم، مضامین تفسیر شریف و دینیات، چندان جدی گرفته نمی‌شد و در بیشتر موارد، تدریس این مضامین به استادانی سپرده می‌شد که در کارشان چندان جدی و برجسته نبودند. بی‌اعتنایی و سهل‌گیری در مضامین دینی تا آن پیمانیه بود که شاگردان از ناحیه آن مضامین، خیال راحت داشتند و ناکامی در آن‌ها وجود نداشت. (مبادا وضع مضمون «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌ها نیز به همین منوال بوده باشد!)

با روی کار آمدن دولت اسلامی افغانستان در ۱۳۷۱ هـ.خ، به منظور اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، مضمون ثقافت اسلامی در کلیه موسسات تحصیلات عالی در نظر گرفته شد و از آن زمان تا امروز این مضمون تدریس می‌گردد. اما به صورت پریشان، غیرمعیاری و در بسیاری موارد، دور از اصل موضوع. در این راستا وقتی عمل‌کرد انقلابی‌های ایران و افغانستان را مقایسه می‌کنیم، تدریسی که در افغانستان روی دست گرفته شد، به مراتب معتدل‌تر بود؛ زیرا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای دو - سه سال (۲ سال برای رشته پزشکی و ۳ سال برای دیگر رشته‌ها) دانشگاه‌ها مسدود گردید، نهادی تعیین شد و کلیه مضامین درسی دانشگاه‌ها را تحت نظارت و ارزیابی قرار داد و استادانی را به نام ضد انقلاب، از وظیفه سبک‌دوش کرد.

در حال حاضر، مباحثی که در زیر عنوان «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌های افغانستان تدریس می‌گردد، بسیار متنوع و و به زبانی دیگر، دایره‌المعارفی است؛ به گونه‌یی که در آن موضوعاتی هم‌چون «جهان‌بینی اسلامی»، «نظام سیاسی اسلام»، «قرآن و علوم امروزی»، «نظام اخلاقی اسلام»، «نظام اجتماعی اسلام»، «فلسفه عبادات و یا عبادت‌شناسی اسلامی» و نظایر آن دیده می‌شود. از یک سو هیچ‌یک از این مباحث به اصل موضوع که فرهنگ و ثقافت در اسلام است، نمی‌پردازد و از سوی دیگر، نیازهای اساسی نسل امروز نادیده گرفته شده و در طرح این مسایل، سنتی و کلاسیک عمل شده است. به صورت نمونه در بحث «نظام سیاسی اسلام»، سخن از امیرالمومنین، خلیفه و امیر رفته و صفات آن بیان شده است؛ اما از مسایل مهمی مانند انتخابات، رای عامه، پارلمان، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، یادی به عمل نیامده است. با این حساب، مضمون «ثقافت اسلامی» به دانشجویان چه چیزی را می‌خواهد القا بدارد؟ از همین جاست که بسیاری از دانشجویان اذعان می‌دارند که ثقافت اسلامی، حرف تازه‌یی ندارد و به قناعت دانشجویان نمی‌پردازد. بنابراین، نمی‌توان از کنار این موضوع اساسی، بی‌تفاوت گذشت.

در مبحث «جهان‌بینی اسلامی»، به مسایل عقیدتی‌یی مانند توحید، اسماء‌الله الحسنى، شرک و انواع آن اشاره شده، آن‌هم از منظر سلفی‌ها که در آن، استدلال عقلی سهم دارد. از جانبی هم، مفاهیمی هم‌چون ایدیولوژی، جهان‌بینی، مکتب، تضاد طبقاتی و... ساخته و پرداخته مارکسیست‌ها اند که از طریق ادبیات مارکسیستی در حوزه ما پخش گردیده است؛ از این‌رو جاگزین ساختن «جهان‌بینی اسلامی» به جای «علم کلام اسلامی» خود جای سوال دارد. در اوایل سده بیستم که بازار علم‌گرایی یا



در مبحث «فلسفه عبادات» سعی بر آن شده، تا حقانیت عبادات اسلامی بر اساس مطابقت آن با نظریات و استنباطات علمی عصر حاضر، سنجیده شود و بدین ترتیب به دانشجویان گفته می‌شود که میان وحی الهی و دانش بشری، سازگاری وجود دارد. نکته این است که در موارد زیادی، هنوز علم تجربی با اوامر دینی هماهنگی نشان نمی‌دهد، در آن صورت تکلیف امور دینی چه می‌شود؟ پرسش دوم این‌که: علوم تجربی هر روز، نظر تازه‌یی می‌آفریند و به سخن کارل پوپر، نظریات قبلی را نقد می‌دارد و حرف تازه‌یی مطرح می‌سازد؛ پس زمانی که اجتهاد علمی دگرگون می‌شود و آن رابطه عبادات اسلامی و استنباط علمی برهم می‌خورد، آن‌گاه چه توجیهی می‌توان داشت؟ علاوه بر آن، این مسأله هنوز به قوت خود باقی است که آیا می‌توان عبادات را با میزان عقل تجربی ارزیابی کرد یا خیر؟ و آیا ارزیابی معجزات با قوانین علوم طبیعی، امری درست و به‌جا است یا خیر؟

تا جایی که به یاد دارم، آن‌گاه که مضمون «ثقافت اسلامی» به دانشگاه‌ها اضافه می‌گردید، استدلال این بود که: در سالهای پسین، اسلام یک دین ضد علم و ترقی معرفی گردیده است، از این‌رو باید حقیقت موضوع بیان گردد. باید خدمات علمی و فرهنگی مسلمان‌ها به جامعه بشری گفته شود و دانشجویان با نقش دانشمندان مسلمان آشنا گردند تا از این طریق، هم نگاه‌شان نسبت به اسلام اصلاح گردد و هم حسن اعتماد به نفس در آنها تقویت شود. در همان زمان، فکر بر این بود که استادان ثقافت اسلامی به دانشجویان بفهانند که وضعیت ناگوار کنونی مسلمان‌ها، امری تازه و عارضی است و هرگز چنین نبوده که از ابتدا مسلمان‌ها با این روز و حال گرفتار بوده‌اند، و نامسلمان‌ها همیشه با قدرت و عزت. افزون بر آن، باید به دانشجویان فهاننده شود که علم و دانش، شرق و غرب نمی‌شناسد؛ گاهی به قول سید جمال‌الدین پایتخت آن در شرق و زمانی در غرب می‌باشد. دانشجویان باید از شیوه‌های تفکر و پژوهش مسلمانان آگاهی یابند و شیوه برخورد آن‌ها با علم و دانشمندان روشن گردد. دانشجویان باید دید روشنی نسبت به جایگاه ادبیات، هنر، موسیقی و... در اسلام پیدا کنند، تا راه برخورد با مظاهر تمدن را فرا بگیرند.

اکنون با بررسی درس‌های ثقافت اسلامی، وضع امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد و حتما می‌توان از آن رهگذر پُرغصه بود؛ بنابراین باید ارزیابی کرد که چرا به صورت دقیق طی این سال‌ها به موضوع «ثقافت اسلامی» پرداخته نشده است، در حالی که منابع فراوانی در این زمینه وجود دارد. افسانه فردا، گوشه‌یی از پیام تو، رساله‌یی درباره اخلاق و مقاله‌یی در مورد هنر از آثار علامه سلجوقی به شکل قسمی به این بحث مرتبط اند. تاریخ دعوت و اصلاح و انحطاط مسلمان‌ها، دو اثر برجسته علامه ابوالحسن ندوی در همین زمینه‌اند. علی اکبر ولایتی کتاب فخری زیر عنوان فرهنگ و تمدن اسلامی در ۶ جلد دارد و فشرده آن در یک جلد نیز تدوین یافته است. کتاب مفید دیگری در این باب به نام «فرهنگ اسلامی» اثر مسجدمجمعی است. علم و تمدن اسلامی و نیازهای جوان مسلمان در عصر تجدد، دو کتاب سودمند سید حسین نصر استند، و «علم در اسلام» از احمد آرام کتاب ارزنده دیگری است. «وثائق‌السیاسیه» اثر محمد حمیدالله یکی از آثار گران‌سنگ در زمینه است. «کارنامه اسلام» نوشته آقای زرین‌کوب، نوشته پُربار دیگری در این زمینه است. از آثار عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری به وفرت می‌توان در این باب یاد کرد و کار گرفت.

از میان آثار مستشرقین در این راستا، تاریخ تمدن اسلام و غرب، نوشته گوستا و لویون فرانسوی و جرحی زیدان شهرت به‌سزایی دارند. بانوی پژوهش‌گری از جرمنی نیز کتابی در این مورد زیر عنوان «فرهنگ اسلام در اروپا» دارد که می‌توان از آن بهره فراوانی برد.

این‌همه مشتتی از خروار است که با استفاده از آن‌ها می‌شود متنی دل‌پذیر و سودمند تهیه دید و «ثقافت اسلامی» را از این وضعیت ناخوش بیرون آورد.

میان اخلاق و حقوق تفاوت نهاده‌اند؛ زیرا موضوعاتی هم‌چون حق مسلمانان نسبت به یکدیگر، حقوق و احترام شاگرد و معلم نسبت به هم‌دیگر، حقوق اطفال و حقوق همسایه آمده است. افزون بر آن، نویسنده‌گان محترم، سرگردانی و دغدغه نسل حاضر را مورد عنایت قرار نداده‌اند؛ بنابراین چه‌گونه‌گی تفاهم و تعامل در عصر کنونی، ناشگافته و ناگفته باقی مانده است. تالیفون، تلویزیون، رسانه‌های اجتماعی، دانشگاه، موسسات کاری، نهادهای مدنی، هر یک در این عرصه پرسش‌های تازه خلق کرده‌اند، که در کتاب‌های پیشینان مجالی برای طرح آن نبود. اما حالا هم که هستند، هیچ التفاتی به آن‌ها صورت نپذیرفته و بدین ترتیب، مبحث اخلاق اسلامی از حد تذکر فرمایش‌های اندیشمندان پیشین، گامی به جلو نهاده است. یکی از بحث‌های دل‌چسپی که در زیرمجموعه ثقافت اسلامی تدریس می‌گردد، «خصایص کلی اسلام» است. این بحث توسط دانشمند شهیر مسلمان، یوسف قرضاوی نگاشته شده است. در بخش ثقافت اسلامی، این اثر فشرده‌شده بدون آن‌که نامی از قرضاوی برده شود، تدریس می‌گردد. وقتی حتی یک نویسنده، آن‌هم در مضمون ثقافت اسلامی مراعات نمی‌گردد، در سایر موارد چه انتظاری می‌توان داشت؟!

پوزیتویسیم در کشورهای اسلامی رونق گرفت، برخی از اندیشمندان مسلمان از جمله «طنطاوی» بر آن شدند تا نشان دهند که قرآن مجید، کتاب مقدس مسلمان‌ها سده‌ها پیش، پیش‌گویی‌های علمی داشته است؛ لذا مسلمان‌ها از این رهگذر نه تنها چیزی کم ندارند، بل پیشگام این عرصه نیز می‌باشند. در ایران جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی چند عنوان کتاب در این باب به رشته تحریر درآوردند و سهم خود را در این راستا ادا کردند. این‌گونه مباحث در دهه‌های پسین در میان روشن‌فکران مسلمان، به یک مُد تبدیل شده و هر یک نمونه‌یی از این قماش را به رخ دیگران می‌کشد، و بدین ترتیب از یک سو اظهار فضل می‌کنند و از سوی دیگر، می‌خواهند پیشتازی اسلام و مسلمین را به نمایش گذارند. اما افسوس و صدفاسوس که این نحوه برخورد با قرآن مجید، نه تنها کمترین مشکل از مسلمان‌ها را حل نکرد؛ بل برعکس، فهم نادرستی را نسبت به قرآن نیز ترویج داد، تا مسلمان‌ها همه‌گونه پرسش را به قرآن حواله بدارند و از آن پاسخ بجویند! تازه دیده می‌شود که در دانشگاه‌های افغانستان، قرآن و علوم امروزی تدریس می‌گردد؛ آیا به‌راستی با جدیت روی این مسأله فکری کار شده است؟ در مبحث «نظام اخلاقی اسلام»، مولفین گران‌قدر،





## سوال ریاست اجرایی:

# چرا قلب کاران انتخاباتی در آغوش ریاست جمهوری رفتند؟

ابوبکر صدیق

ریاست اجرایی از معرفی کمیشنران پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی به عنوان مشاوران ریاست جمهوری انتقاد می‌کند. معاون سخنگوی ریاست جمهوری می‌گوید که اگر کمیشنران پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی قلب نکرده‌اند، چرا برکنار شدند و اگر قلب کرده‌اند، چرا در پست‌های مهم به کار گماشته شده‌اند. رییس‌جمهور غنی اواخر هفته گذشته، طی فرمانی ۱۳ عضو پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی را در بست خارج رتبه به حیث مشاوران جدید ریاست جمهوری معرفی کرد. جاوید فیصل معاون سخنگوی ریاست اجرایی در مصاحبه با روزنامه ماندگار گفت: هدف اصلی ریاست اجرایی که قربانی قلب در

آقای فیصل می‌گوید وقتی که این افراد متهم به فساد هستند چرا در ریاست جمهوری به عنوان مشاور گماشته می‌شوند؟ در حالی که باید به نهادهای عدلی و قضایی معرفی می‌شدند. او گفت که ریاست جمهوری باید جواب دهد که چرا متقلبان را در پست مهم و به آغوش خویش می‌گمارد. در این حال، برخی از نماینده‌گان مجلس، استخدام کمیشنران پیشین کمیسیون‌های انتخاباتی را به عنوان مشاوران ریاست جمهوری به شدت انتقاد کرده و می‌گویند که رییس جمهوری به آنها حق سکوت داده است. نماینده‌گان می‌گویند کسانی که به حیث مشاوران جدید رییس‌جمهور غنی گماشته



شده‌اند متهم به خیانت ملی بودند و باید زیر پیگرد نهادهای عدلی و قضایی قرار می‌گرفتند. چمن شاه اعتمادی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: با انتصاب کمیشنران پیشین انتخابات که متهم به قلب گسترده در انتخابات قبلی بودند، انتظاری که مردم از دولت در عرصه آوردن اصلاحات داشتند به یأس تبدیل شد. آقای اعتمادی افزود: انتصاب این افراد به عنوان مشاوران ریاست جمهوری نشان داد که رییس‌جمهور و رییس اجرایی علاقه به آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی و اداری افغانستان

انتخابات گذشته بود، آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی است که عملی شد. آقای فیصل یادآوری کرد که در حال حاضر در نظام انتخاباتی اصلاحات آورده شده و با متقلبان انتخاباتی پیشین به طرف انتخابات آینده نمی‌رویم. معاون سخنگوی ریاست اجرایی با بیان این که مردم حق دارند بفهمند که کی‌ها رأی‌شان را به غارت بردند، گفت: اگر این افراد متهم به قلب افتضاح‌آمیز در انتخابات نبودند چرا برکنار شدند و افراد دیگر عوض‌شان انتخاب شده است.

## کندهار چارواکی وای ۱۳۰۰ طالب وسله‌والو جگره پرېښي



په کندهار کې د سولې شورا خبر ورکوي چې په دې ولایت کې شاوخوا ۱۳۰۰ طالب وسله‌والو جگره پرېښي او په خپله خوښه یې عادي ژوند پیل کړی. د کندهار د سولې شورا د ولایتي کمېټې مشر عطا محمد احمدي ازادي راډیو سره په ځانگړې مرکه کې وویل چې د ولسوالیو په سطحه د دوی سیمه‌ییزې کمېټې په دې توانېدلي چې یو شمېر وسله‌وال راضي کړي خو خپلې وسلې پر ځمکه کېږدي او عادي ژوند کولو ته راوگرځي.

د احمدي په وینا شاوخوا ۲۰۰ وسله‌وال چې یو شمېر یې د لوړې کچې قوماندانان په کې شامل دي په رسمي ډول د سولې د پروسې سره یوځای شوي او شاوخوا ۱۳۰۰ نورو طالب وسله‌والو جگره پرېښي او په خپله خوښه یې عادي ژوند پیل کړی. ښاغلي احمدي زیاته کړه: "په ولسوالیو کې زموږ د کمېټو په همکاري او د دوی د خپلوانو له خوا تبلیغ ورته شوی اوس چې په کور کېناستلي شمېر یې ۱۳۰۰ یا اضافه تر دې دی. د سولې د شورا ولایتي مشر ښاغلي احمدي وایي، هغه کسانو چې له جگړې لاس اخیستی او عادي ژوند یې پیل کړی یو شمېر یې د کار او ټولنیزو چارو ریاست په مرسته حرفوي کورسونو ته د کسب زده کولو لپاره معرفي شوي او یو شمېر نورو د خپل ژوند او امنیت په خاطر ځانونه نه‌دي ښکاره کړي. ښاغلي احمدي زیاته کړه: "موږ د دوی په خوښه کارونه پیدا کړي ځینې مو کسب زده کولو ته معرفي کړي ځینې چې سواد یې نه‌درلود ښاروالی ته د کار کولو لپاره معرفي کړي دي."

د سولې شورا سیمه‌ییز مشر دغه‌راز وایي چې په دې وروستیو کې له دوی سره د طالبانو د خپلمنځي اختلافاتو او د روسیې سره د دغه ډلې د اړیکو په اړه د راپورونو تر خپرېدو وروسته د وسله‌والو تماسونه زیات شوي. نوموړی په ټینگار سره وایي چې د حکومت زیات وسله‌وال مخالفین د سولې پلویان دي خو دوی د خپل امنیت په اړه اندېښنه لري. کارپوهان په سیمه‌ییزه کچه د وسله‌والو مخالفینو سره د سولې شورا دغه ډول تماسونه گټور بولي. د کارپوهانو په باور که څه هم د افغان دولت او وسله‌والو مخالفینو تر منځ د لوړې کچې خبرې د نامعلومو دلایلو په وجه درېدلې خو کندهار کې د سولې د بهیر سره د وسله‌والو یوځای کېدل د دغه ولایت او کاونډیو ولایتونو پر امنیت کولای شي اغېز وکړي.

# افت ۲۳ درصدي صادرات سمنت پاکستان به افغانستان



صنعت پیشه‌گان پاکستانی در حال حاضر در این مورد ابراز نگرانی می‌کنند که روابط میان اسلام آباد و کابل نیز اخیراً به دلایل حمایت این کشور از گروه‌های اسلام‌گرای شورشی در افغانستان به سردی گراییده است. افغانستان اخیراً تلاش کرده تا به جای پاکستان، راه‌های بدیلی را برای ترانزیت کالاهای تجارتي‌اش پیدا کند و همراه با هند و ایران توافق نامه چابهار را به‌عنوان بخش از این تلاش‌ها، اخیراً به امضا رسانده است. دیروز نیز رییس‌جمهورهای افغانستان و ترکمنستان خط آهن آته مراد امام نظر-آقینه افغانستان را افتتاح کردند.

رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که صادرات سمنت این کشور به افغانستان از ۰۰۲۵۲ میلیون تن در سال ۲۰۱۵ به ۰۰۱۹۳ میلیون تن در سال ۲۰۱۶، کاهش پیدا کرده که افت ۲۳۰۴ درصدی صادرات سمنت پاکستان را به افغانستان نشان می‌دهد. اتحادیه صنعت‌کاران پاکستان نسبت به این کاهش صادرات سمنت به افغانستان که تنها در چهار ماه سال مالی جاری افت ۱۱۰۷۴ درصدی داشته، ابراز نگرانی کرده است. سهام‌داران پاکستانی صنعت سمنت، نسبت به تنش در روابط هند و پاکستان نیز ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که به این دلیل در مورد افزایش صادرات به این کشور چندان خوش بین نیستند.



**فیسبک نامه**



شفیق‌الله شفیق

**دین‌داری بی‌روح و توأم با نا مهربانی!**

تندبآوری و سخت‌گیری، فحش و ناسزاگویی محصول جامعه بی‌روح و خشم‌گین است که سالیان طولانی از فرهنگ تساهل، مدارا و تسامح فاصله گرفته است. وقتی مدعیان دین، پاسداری از دین خدا را با ترور، انتحار، شکنجه و زشت‌گویی مخالفان‌شان توجیه می‌کنند، دل آدم برای منبر زمان پیامبر و خلفای صدر اسلام می‌تپد که از آن منبر بزرگ و مقدس، اکنون با کدام ادبیات و اندیشه میراث‌داری می‌شود. منبری که به قول ابن‌خلدون، شجاعت، یکسان‌زیستی و فخر یکتاپرستی را اشاعه می‌کرد و سرزمین‌های زیادی را با این پیام درنوردید و مجذوب خود ساخت.

زمانی که پرسش‌گری و تفاوت رفتاری الحاد و کفرپنداری دانسته می‌شود، به جایگاه خالی تفکر و باورهای امام‌اعظم، پیشوا مذهب‌مان بیشتر پی می‌بریم که پیوسته از تساهل مذهبی فاصله می‌گیریم و داریم از خود بیگانه می‌شویم. هنگامی که آدمیان دارای شغل و پیشه غیر سنتی، با واژه‌های نفرت و تکفیر اجتماع ریاکار و سطحی‌نگر نكوهش و سرزنش می‌شوند و سزاوار مرگ و لعنت قرار می‌گیرند. انسان اذعان می‌کند که بزرگانگی چون سعدی، سنایی غزنوی، مولوی بلخی، حافظ و... با حوزه فرهنگی خودشان چقدر بیگانه شده‌اند. چون این عرفان از دین اسلام، معرفت‌اندیشی، راست‌اندیشی، تسامح‌باوری، نیکوکاری و خدایپرستی استخراج کرده بودند که بنیان روح پلورالیسم فرهنگی و دینی ما به میراث آن‌ها تعلق می‌گیرد.

به قول مولوی، از قرآن مغز را برداشت که وسیله اتصال همه جوامع انسانی بود که به تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها تمکین و تکریم می‌شد و خدایپرستی نسبت به ظاهرگرایی و مذهب‌پرستی ارجحیت داشت.

او می‌گفت:

اشتراک لفظ دایم رهن است  
اشتراک گبر و مومن در تن است  
اختلاف خلق از نام او فتاد  
چون به معنی رفت آرام او فتاد  
ملت عشق از همه دین‌ها جداست  
عاشقان را ملت و مذهب خداست  
در درون کعبه رسم قبله نیست  
چه غم از غواص را پاچیله نیست

از همین‌روی است که امروز اندیشه مولوی در همه زبان‌های زنده جهان مرور می‌شود و هزاران انسان غیر مسلمان را مجذوب اسلام و باورهایش ساخته است. اما اغلب مدعیان امروز سرزمین‌های اسلامی از دین ترور، وحشت، زشت‌پنداری و مدنیت‌ستیزی را برای جهانیان به نمایش گذاشته‌اند. از این‌روی، عبدالحفیظ منصور درد یک مسلمان روشن ضمیر را می‌کشد، او شایسته حمایت است.

**حسیب معترف**



قهرمانان بازنده:

در سیاست، داستان کسانی بالا است که شب‌ها نمی‌خوابند و پشت سر هم جلسه می‌گیرند، یازگیری می‌کنند و مردم را می‌بافند. آن‌هایی که شب‌ها می‌خوابند و روزها را هم در جلسات تشریفاتی و یا پشت هیاهوی فیس‌بوکی می‌گذرانند، محکوم به شکست و ذلت هستند. ملت ما با سیاست‌مداران تشریفاتی و قهرمانان فیس‌بوکی سردچار شده است. شیران کاغذی که در پیش مردم خود را قهرمان، اما کمی آن طرف‌تر، برای چوکی و قدرت به پای دیگران تضرع می‌کنند. دیگران در فیس‌بوک نمی‌نویسند، بلکه به آنچه می‌گویند، عمل می‌کنند.

زمان آن فرارسیده است که پایان و ناکارآمدی قهرمانان و امپراتوران کاذب فیس‌بوکی را اعتراف کنیم. سیاست، عرصه عمل و تلاش است، نه شعار و پشت فیس‌بوک نوشتن. تا زمانی که عده‌یی با اندوخته‌های پولی و کرایه گرفتن چند جوان قلم به دست، در دنیای خیالی خود امپراتوری‌های فیس‌بوکی ایجاد کرده‌اند، وضع طفلان خراب می‌بینم. با این‌گونه رهبران سبک سر و پیش با بین، توقع برد توقع باطل است. نسل‌نوا سیاست‌مداران به کار است تا حریف دیگران شد. ما به نسل از سیاست‌مداران جوان، فعال و عمل‌گرا نیاز داریم، نه قهرمانان فیس‌بوکی.

**کشور**  
جهان‌نا

**اسرائیل  
از ترکیه سپاس‌گزاری کرد**

حکومت اسرائیل از مهار کامل آتش‌سوزی‌های پنج روز گذشته جنگل‌های این کشور خبر داد.

با این حال، رادیوی حکومتی این کشور اعلام کرد که حالت فوق‌العاده و آماده‌باش نیروهای آتش‌نشان به دلیل احتمال وقوع آتش‌سوزی‌های دوباره در این مناطق به خاطر هوای خشک و ادامهٔ وزش باد ادامه می‌یابد.

این درحالی است که سایت عبری زبان «واللا» از وقوع آتش‌سوزی دوباره در جنگل‌های مجاور شهرک «کریات ملاخی» در نزدیکی شهر عسقلان خبر داد. طبق اعلام رسانه‌های عبری‌زبان، آتش‌سوزی‌های پنج روز اخیر به حدود ۱۸۰۰ واحد مسکونی در منطقه آسیب زد. این رسانه‌ها میزان خسارات وارده به ساختمان‌ها را حدود ۱۲۰ میلیون دالر تخمین زدند.

در این میان، شهر حیفا بیش از دیگر مناطق آسیب دید و در آنجا ۵۲۷ خانه آتش گرفت و موجب فرار ۷۵ هزار تن از ساکنان شهر حیفا از خانه‌های‌شان شد.

هم‌چنین مرکز کمک‌های اولیه حکومت اسرائیل اعلام کرد که در جریان این آتش‌سوزی ۱۳۳ تن زخمی شدند. پولیس این کشور نیز از بازداشت ۱۰ فلسطینی در این رابطه که مظنون به دست داشتن در این آتش‌سوزی بودند، خبر داد.

در سویی دیگر، رییس حکومت اسرائیل در گفت‌وگوی تلفنی با رییس‌جمهوری ترکیه، از او به دلیل کمک به مهار آتش‌سوزی این کشور قدردانی کرد.

وزارت خارجهٔ حکومت اعلام کرد: روون ریولین، رییس اسرائیل در گفت‌وگوی تلفنی با رجب طیب اردوغان، از او به دلیل کمک‌هایی که برای اطفای حریق ارایه کرده، قدردانی کرد.

اردوغان از روون ریولین خواست تا در قانون ممانعت از پخش اذان در قدس بازن‌گیری کند و از اجرای هر طرحی که به نماز خواندن مسلمانان لطمه بزند، خودداری کند، چرا که این مسایل حساس هستند. ریولین از اردوغان خواست برای آزادی سربازان اسرائیلی که به دست جنبش حماس اسیر شده‌اند، تلاش کند.

**ترامپ:**

**بازشماری آراء اقدامی مضحک و ائتلاف وقت است**

درحالی که هیلاری کلینتون عزم خود برای بازشماری آراء در چندین ایالت را جزم کرده است، ترامپ این‌کار را اقدامی مضحک و ائتلاف وقت توصیف کرد.

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور منتخب آمریکا می‌گوید، نتایج رسمی انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور حاوی آراء غیرقانونی بوده است و بدون در نظر گرفتن این آراء، او برندهٔ آراء مردمی است.

دونالد ترامپ، غول املاک و مستغلات آمریکا، در تاریخ ۱۸ آبان با کسب آراء بیش از ۲۷۰ نماینده مجمع گزیننده‌گان، آراء مورد نیاز برای راهیابی به کاخ سفید را به دست آورد.

براساس نظام پیچیدهٔ انتخابات ایالات متحده، شهروندان امریکایی مستقیماً رییس‌جمهور را انتخاب نکردند، بلکه در حقیقت با آراء خود، اعضای مجمع گزیننده‌گان را که معمولاً متعهد به رای دادن به یک نامزد خاص هستند را برگزیدند.

جمع آراء مجمع گزیننده‌گان در همهٔ ایالات آمریکا، معادل ۵۲۸ رأی است و بنابر این، یک نامزد برای برنده‌شدن می‌بایست ۲۷۰ رأی در مجمع کسب می‌کرد. یعنی نیمی از کل به علاوهٔ یک.

براساس آخرین آمار اعلام شده، هیلاری کلینتون، رقیب دموکرات ترامپ جمهوری‌خواه، بیش از ۲ میلیون در آراء مردمی از ترامپ جلوتر است و انتظار می‌رود که این فاصله در نهایت به ۲ و نیم میلیون رأی برسد.

این فاصلهٔ زیاد در آراء مردمی، سبب بروز اعتراضاتی در آمریکا شد و در پی درخواست جیل استاین، نامزد حزب سبز، برای بازشماری آراء انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، مقامات ایالت ویسکانسین از شمارش مجدد آراء خبر دادند.

ایالت ویسکانسین تا ۱۳ دسامبر (۲۳ آذر) برای تکمیل روند بازشماری آراء و اعلام نتایج نهایی، فرصت دارد و یکی از وکلای ستاد انتخاباتی کلینتون شنبه اعلام کرد که برای مشارکت در بازشماری آراء این ایالت، حضور خواهد یافت.

ده رأی مجمع گزیننده‌گان ایالت ویسکانسین در انتخابات، به ترامپ اختصاص یافت و او توانست با کسب ۲۷ هزار رأی مردمی بیشتر، هیلاری کلینتون، رقیب دموکرات خود را شکست دهد.

پیش از استاین، جمعی از متخصصین رایانهٔ در آمریکا مدعی شدند که در ایالاتی که شمارش آراء به صورت رایانه‌یی صورت گرفته، احتمالاً تقلب شده و ایالت ویسکانسین از جملهٔ این ایالات است.

ترامپ روز یکشنبه در واکنش به شمارش مجدد آراء در حساب شخصی خود در شبکهٔ اجتماعی توییتر نوشت: «اگر آراء میلیون‌ها نفری را که به طور غیرقانونی رأی دادند، کسر کنید، من علاوه بر موفقیت در کسب آراء مجمع گزیننده‌گان، آراء مردمی را هم به دست آوردم».

درحالی که آراء ویسکانسین در کنار ایالات میشیگان و پنسیلوانیا، ضامن موفقیت ترامپ در انتخابات بود، رییس‌جمهور منتخب آمریکا، بازشماری آراء را امری «مضحک» و «ائتلاف وقت» خواند.

ترامپ در پیام توییتری بعدی خود نوشت: «برای من پیروزی در کسب آنچه آراء مردمی نامیده می‌شود، بسیار راحت‌تر از کسب آراء مجمع گزیننده‌گان بود، چون در این صورت مبارزات انتخاباتی خود را فقط در سه یا چهار ایالت به‌جای ۱۵ ایالتی که در آن حضور یافتیم، متمرکز می‌کردم» از سوی دیگر، نامزد حزب سبز اعلام کرده است که برای بازشماری آراء در ایالات پنسیلوانیا و میشیگان نیز درخواست خواهد داد.

ترامپ در پنسیلوانیا بیش از ۶۰ هزار رأی مردمی بیشتر از کلینتون کسب کرد که ۲۰ رأی دیگر مجمع گزیننده‌گان را نیز به او اختصاص داد. او هم‌چنین با ۱۰ هزار رأی بیشتر در میشیگان توانست ۱۵ رأی مجمع گزیننده‌گان در این ایالت را کسب کند.

ترامپ در مجموع با کسب ۳۰۶ رأی مجمع گزیننده‌گان در برابر ۲۳۲ رأی کلینتون در انتخابات آمریکا به پیروزی رسید. اصرار بر بازشماری آراء درحالی صورت می‌گیرد که کاخ سفید انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا را سالم دانست و اعلام کرد که هیچ سند و مدرکی از دخالت سایبری در روند رأی‌گیری وجود ندارد.



**گریزمان:**

**به رئال نه، ولی شاید  
به بارسلونا بروم**



آنتوان گریزمان، ستارهٔ اتلتیکو در مصاحبهٔ جدید خود عنوان کرد که هرگز به رئال نخواهد رفت، ولی احتمال پیوستنش به بارسا را رد نکرد.

آنتوان گریزمان، ستارهٔ فرانسوی اتلتیکو مادرید، امسال یکی از شانس‌ها کسب توپ طلا است؛ هرچند که خودش چندان به این مسأله امیدوار نیست.

او با وجود پیشنهادات خوبی که تابستان امسال داشت، تصمیم گرفت که به حضورش در اتلتیکو ادامه دهد. گریزمان بهترین گل‌زن روخی بلانکوس‌ها در دو فصل اخیر بوده است.

گریزمان در مورد احتمال جدایی‌اش از اتلتیکو گفت: در اتلتیکو شرایط خوبی دارم. تیمی داریم که می‌تواند مدعی قهرمانی در همه جام‌ها باشد. واضح است که دوست دارم قهرمانی‌های بیشتری کسب کنم و شاید در تیمی دیگر، شانس رسیدن به اهداف بزرگ، بیشتر باشد؛ ولی نمی‌توانم به دلیل رقابت بین اتلتیکو و رئال، راهی رئال‌مادرید شوم. بین دو باشگاه توافقی نانوشته نیز برای عدم یارگیری از یک‌دیگر وجود دارد. بارسلونا؟ چنین توافقی وجود ندارد و شاید در آینده به این تیم بروم (با خنده). در مورد پاری سن ژرمن هم باید بگویم که فعلاً قصد حضور در لیگ کشورم را ندارم».

او ادامه داد: رونالدو به دلیل افتخارات مهمی که سال ۲۰۱۶ کسب کرد، شانس اول است. مسی هم به درخشش خود ادامه داده و روند گل‌زنی خوبی در این فصل دارد. با وجود این که به توپ طلا فکر می‌کنم؛ ولی با وجود رونالدو و مسی، کسب آن بسیار دشوار است.

**انریکه:**

**مساوی کردن مان هم  
معجزه بود**



سرمربی تیم فوتبال بارسلونا از عملکرد تیمش برابر رئال‌سوسیه‌داد به شدت انتقاد کرد و آن را لایق کسب امتیاز ندانست.

لوییس انریکه پس از تساوی یک-یک بارسلونا در استادیوم آنوئا، ورزشگاه خانگی تیم رئال‌سوسیه‌داد که نگاهش طلسم ۹ سالهٔ کاتالان‌ها در سن‌سباستین شکسته شود، گفت که تیمش لایق کسب همین یک امتیاز هم نبوده است.

انریکه گفت: ارزیابی من بسیار مثبت است. ما هیچ‌کاری برای کسب یک امتیاز انجام ندادیم و به هر نحوی بود، آن را گرفتیم. غیرممکن بود از این بدتر بازی کنیم. حریف در تمام بخش‌های بازی به مراتب از ما بهتر کار کرد. سرمربی مدافع عنوان قهرمانی لالیگا در ادامه انتقاد شدید از عملکرد بازیکنانش اظهار داشت: اگر دو تیم لباس‌های‌شان را با هم عوض می‌کردند، هیچ‌کس باور نمی‌کرد که تیم مقابل بارسلونا نیست.

انریکه ۴۶ ساله هم‌چنین تأکید کرد: فقط ۱۳ هفته از شروع کارمان در لالیگا می‌گذرد پس اگر برخی‌ها (اشاره به انتقاد شدید جرارد پیکه از عملکرد هم‌تیمی‌هایش) درست پس از سوت پایان تحت تأثیر شرایط و از سر عصبانیت اظهار نظرهایی انجام می‌دهند، نباید آن را خیلی جدی گرفت.

این اولین باری است که ما برابر حریف‌مان هیچ حرفی برای گفتن نداشتیم.

سرمربی پیشین سلتاویگو در پایان عنوان کرد: نمایش ما فاجعه‌آمیز بود. این یکی از بدترین بازی‌های بارسا در زمان مربیگری من بوده است. همین که یک امتیاز گرفتیم، مثبت‌ترین ارزیابی است که من می‌توانم از این بازی داشته باشم. این که بازی را با این نتیجه به پایان رساندیم، یک معجزه است. واقعاً ناعادلان بود اگر این بازی را می‌بردیم و من باید به سوسیه‌داد بابت بازی خویش تبریک بگویم. ما حتا پنج پاس درست متوالی هم نمی‌توانستیم به یک‌دیگر بدهیم. بدون توپ هم عملکردمان فاجعه‌آمیز بود.



# Mandegar

او همواره به دنبال اتحاد با رهبران همفکر بود رهبرانی مانند هوگو چاوز در ونزوئلا و جانشین او، نیکلاس مادورو، اوو مورلاس در بولیوی و رئیس جمهوری سابق برزیل و رهبر حزب لولا، دیلما روسف.

نقش اخیر کوبا در وساطت برای صلح بین فارک و دولت کلمبیا هم نشان دهنده یک تغییر در استراتژی نیست. کوبا انگیزه اجرای اصولی مشابه کلمبیا را دارد اما هنوز هم به دنبال کنترل کامل بر کشور است. رسیدن به این اهداف از طریق روش های دموکراتیک امکان پذیر است نه مبارزه انقلابی، موعظه های هاوانایی و ایده هایی که از گذشته پشتیبانی می کنند.

### آخرین مرد ایستاده

فیدل به طور رسمی از سال ۲۰۰۸ کوبا را رهبری نکرده است و عملاً این تاریخ با بیماری او به سال ۲۰۰۶ بازمی گردد. مرگ فیدل به تغییری فوری در سیاست های کوبا متجرب نمی شود. نتایج انتخابات اخیر ایالات متحده هم رابطه تازه گرم شده آمریکا و کوبا در سالیان اخیر را به بن بست خواهد کشاند.

با این حال در دراز مدت، مرگ فیدل حاوی یک عنصر است که همه رژیم ها در برابر آن بی دفاعند: گذشت زمان. راثول ۸۵ سال دارد و بیش از ۸۰ درصد از جمعیت ۱۱ میلیون نفری ساکن کوبا در زمان انقلاب ۱۹۵۹ هنوز متولد نشده بودند. میلیون ها نفر چیزی درباره انقلاب کوبا و برادران کاسترو نمی دانند و هر روز بیش از گذشته با جهان خارج ارتباط برقرار می کنند. برای بسیاری در حال حاضر راثول آخرین مرد ایستاده بین آینده عملی کوبا و گذشته ایدئولوژیک آن است.

منبع: نشنال اینترست / مترجم: روزبه آرش

## حکایت آخرین مرد ایستاده



«دولت کوبا همچنان به سرکوب مخالفان و دلسردی منتقدین عمومی می پردازد.» علاوه بر این رتبه آزادی بیان در کوبا پایین تر از چین است. دسترسی به اینترنت در کوبا همچنان بسیار محدود و اقدامات اخیر انجام شده توسط دولت به منظور بهبود دسترسی به اینترنت به مانند «قطره ای در آتش» توصیف شده است. بنابراین مهم است که درک کنیم اصل رهبری راثول حفظ ایدئولوژی و بقای رژیم است نه منافع کوبا. به همین دلیل

شوند به همراه طرح های اقتصادی اخیر که به شرکت های آمریکایی برای سرمایه گذاری در جزیره کمک می کند. با این حال تغییرات اخیر در سیاست های ایالات متحده به وجود آمده است نه کوبا. در سال های جاری لغو تحریم های تجاری کوبا به بهبود وضعیت حقوق بشر و آزادی های سیاسی منجر شده است. اما هنوز از داخل کوبا هیچ کاری برای پیشبرد این اهداف انجام نگرفته است. در سال ۲۰۱۶ سازمان دیده بان حقوق بشر در گزارش خود آورد:

### اورن کسلر

کوبا یک کپسول زمان از جغرافیای سیاسی است؛ جزیره ای که همچنان در سال ۱۹۵۹، زمانی که انقلاب فیدل رهبری کشور را به او سپرد، باقی مانده است. از آن زمان تا کنون این کشور تغییرات سیاسی بسیار کمی را تجربه کرده است؛ نمایشی با تمی از خودروهای قدیمی آمریکایی که ۵۷ سال است در خیابان های هاوانا می چرخند.

در نتیجه موقعیت کوبا از «کارت وحشی» آمریکای لاتین تغییر کرده است. زمانی تحت ایدئولوژی جوان و رادیکال کمونیستی در اوج خود در سال های ۱۹۶۰، کوبا ابرقدرت های جهان را در آستانه یک جنگ هسته ای قرار داد. اما دیگر در صحنه جهانی کوبا تبدیل به قابل پیش بینی ترین کشور جهان شده است. باقی مانده انقلابی که زمانی شکوهمند بود حالا تی شرت های ۱۳ دلاری فیدل کاسترو و چه گوآرا هستند که در eBay به قیمت ۱۳ دلار فروخته می شوند.

مرگ فیدل کاسترو نشانه ای آشکار بود و برای برخی به معنای پایان دوران انتظار کوبا برای جدا ماندن از جهان تفسیر می شود. انتظارات جدیدی نیز از تغییرات آینده سیاسی در این کشور وجود دارد که همچنان با همان ایدئولوژی سال های ۱۹۵۰ جنگ سرد اداره می شود و تغییرات جهان اطراف را نادیده می گیرد.

### هنوز سرکوبگر، هنوز ایدئولوژیک

بسیاری بر این باورند که در سال های اخیر، راثول کاسترو که از سال ۲۰۰۶ حاکم این کشور شده، سیاست های این کشور را به جبهتی بازتر و عمل گراتر تغییر داده است. آنها به نقطه بازسازی روابط با ایالات متحده رسیده اند. از جمله حذف نام کوبا از فهرست حامیان مالی تروریست، لغو محدودیت های مختلف تجاری که در حال حاضر این اجازه را می دهد که سیگار برگ های کوبایی به صورت محدود وارد آمریکا

### هند بالگردهای روسی از کار افتاده افغانستان را بازسازی می کند



یک منبع اعلام کرد که هند، بالگردهای روسی از کار افتاده افغانستان را بازسازی می کند. یک گروه فنی از هند به کابل سفر و این بالگردها را بررسی کرده است. هند، قطعات این بالگردها را فراهم کرده و بالگردهای از کار افتاده را بازسازی و فعال خواهد ساخت.

بر اساس گزارش ها، در حال حاضر نزدیک به ۵۰ فروند بالگرد روسی در فرودگاه کابل وجود دارد که در اثر عوارض فنی نمی توانند پرواز کنند. با توجه به حضور طولانی مدت روسیه در افغانستان، اغلب تجهیزات نظامی قدیمی این کشور روسی است.

هند از سال پیش همکاری نظامی با افغانستان را آغاز کرده و تاکنون چند فروند بالگرد نوع روسی و هندی را در اختیار نیروهای هوایی افغانستان قرار داده که این اقدام نارضایتی پاکستان را به دنبال داشته است.

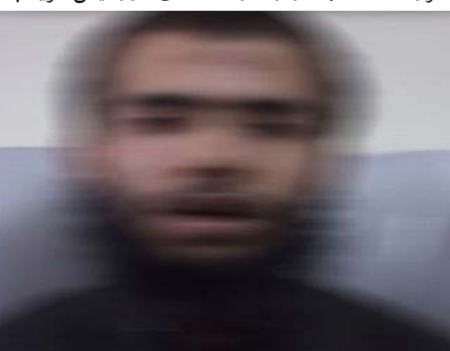
اسلام آباد از گسترش حضور دهلی نو در افغانستان به دلیل آنچه که استفاده هند از خاک افغانستان برای توطئه علیه پاکستان می خواند، نگران است.

## دو نوجوانی که قصد پیوستن به داعش را داشتند در کابل بازداشت شدند

ریاست امنیت ملی افغانستان اعلام کرد که دو نوجوان افغان که قصد داشتند برای آموزش حمله انتحاری و انفجاری به گروه داعش در ولایت ننگرهار در شرق افغانستان پیوندند، در کابل بازداشت شده اند.

در خبرنامه این نهاد که روز دوشنبه منتشر شد، آمده که این دو از ولایت هرات در غرب افغانستان بودند که در ناحیه پنجم شهر کابل، پایتخت بازداشت شده اند.

به گفته امنیت ملی بازداشت شدگان اعتراف کرده اند که توسط ملا عبداللطیف، مسئول تبلیغاتی گروه داعش در ولسوالی کرخ ولایت هرات جذب این گروه شده اند. امنیت ملی افغانستان این کار را "استفاده نادرست از عواطف نوجوانان" عنوان کرده و افزوده که آنها را با وعده های دروغین فریب



**انستیتیوت زبان های خارجی افغان**

برنامه ویژه هالندی  
محاوره زبان ترکی

برنامه ویژه جرمنی  
محاوره زبان چینایی

انگلیسی، هالندی، سوئدی، ناروژی، بلجیومی، جرمنی، ترکی، عربی، چینیایی، روسی، فرانسوی، دری، پشتو  
آدرس: کولابی سینما، خیر خانه، کابل افغانستان  
تلفون: 0773133327-0787030142-0799895665  
Afghan Foreign Language Institute

### ۵۹ جنگ جوی داعش و طالب

### در نقاط مختلف کشور کشته شدند



بر اساس ادعای وزارت دفاع، در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی طی ۲۴ ساعت گذشته در نقاط مختلف کشور، به تعداد ۵۹ جنگ جوی طالب و داعش کشته شده و ۳ جنگ جوی دیگر نیز زخمی شده اند.

بر اساس گزارش وزارت دفاع، در نتیجه این عملیات، ۱ فرمانده محلی و ۱ عضو دیگر طالبان نیز از سوی نیروهای امنیتی در ننگرهار بازداشت شده اند.

در خبرنامه ای که دفتر رسانه ای وزارت دفاع روز دوشنبه ۸ قوس منتشر کرده، نوشته شده است که این عملیات نیروهای امنیتی از طریق زمین و هوا علیه مواضع جنگ جویان طالب و داعش در ولایت های ننگرهار، پکتیکا، لوگر، خوست، کندهار، ارزگان، بادغیس، هرات، فراه، فاریاب، کندز و هلمند، به راه انداخته شده بود.

### انفجار واسکت انتحاری

وزارت دفاع گزارش داده است که در پی انفجار واسکت انتحاری جنگ جویان طالب در ننگرهار، ۸ نفر این گروه کشته و ۱ نفر دیگرشان زخمی شده اند.

بر بنیاد گزارش وزارت دفاع، این افراد وابسته به گروه طالبان در ولسوالی غنی خیل ننگرهار، هنگامی که مصرف آماده سازی ۱ واسکت انتحاری بودند، واسکت انفجار کرده که خودشان کشته و زخمی شده اند.

این که فرد انتحاری می خواسته کجا را هدف انتحار قرار بدهد، وزارت دفاع، اظهار نظری نکرده است.

کشته شدن قاضی و دیگر افراد وابسته به داعش

وزارت دفاع کشور ادعا کرده است که در پی حملات نیروهای اردوی ملی در مربوطات ولسوالی های پچیراگام و ده بالای ننگرهار، قاضی نام نهاد گروه داعش به نام مفتاح الدین و ۴۴ فرد دیگر وابسته به این گروه کشته شده اند.